مقدمه

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«إنّمَا النّسِیءُ زِیَادَةٌ فِی الْکُفْرِ یُضَلُّ بِهِ الّذِینَ کَفَرُوا یُحِلُّونَهُ عَاماً وَ یُحَرِّمُونَهُ عَاماً لِیُوَاطِئُوا عِدّةَ مَا حَرّمَ اللهُ فَیُحِلُّوا مَا حَرّمَ اللهُ زُیّنَ لَهُمْ سُوءُ أعْمَالِهِمْ وَاللهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ»[1]

داستان این کتاب از یک طرح ساده شروع شد. سالها قبل، به نظر من رسیده بود که تطبیق تقویم شمسی و تقویم قمری می‌تواند یک نگاه جدیدی را در فهم روایات پدید آورد. این بحث در میان جمعی از دوستان مطرح بود و در آن میان برادرم جناب حجةالاسلام والمسلمین رشید داودی، این مبحث را جدی‌تر پی‌گرفت و به همت ایشان این مهم را در ضمن مقاله‌ای[2] مورد اشاره قرار دادم و در ضمن یکی از مباحث فقهی آن‌را به‌کار گرفتم. این عمل مورد تشویق بزرگانی قرار گرفت تا آنجا که مرحوم آیت‌الله‌العظمی صانعی (قدس سره)، آن‌را یکی از مصادیق دخالت زمان در اجتهاد برشمردند و نگارنده را مورد تشویق قرار دادند.

آن بحث که به سرانجام رسید، جناب آقای داودی در حوزهٔ تقویم‌ها غوطهٔ بیشتری خورد و من نیز که در مطالعات خود، با بحث نسیء مواجه شده بودم و آن‌را برخلاف نظر اکثر تاریخ‌نگاران و مفسرین می‌فهمیدم، ایشان را به بررسی عمیق‌تر این

---

۱. سورهٔ توبه(۹): ۳۷.

۲. پژوهشنامهٔ متین، دورهٔ۱۳، شماره۵۲، پاییز ۱۳۹۰، ص۶۳ـ۸۰.

موضوع از منظر تاریخی و تفسیری تشویق کردم.

پروژه آغاز شد و تابستان‌های متعددی را به خود مشغول داشت. چهارچوبهٔ کلی بحث را تعریف کردم و ایشان با تتبّع خودنوشته‌های بسیاری در این حوزه جمع کرد. بحث از شناخت تقویم‌های ملتها تا ترجمهٔ بخشهای زیادی از روایات و سخنان بزرگان و جمع کردن بین تناقضات و تهافتات آن ادامه داشت. حساب‌های بی‌حساب و سؤال‌های بی‌جواب، گاه روزهای متمادی ما را به خود مشغول می‌داشت.

برخی از تابستان‌ها، هر روز، روزی یکی دو ساعت، کار ایشان را مرور می‌کردم و نوشته‌های او را کم و زیاد می‌کردم...

و آنچه پیش‌روی شماست، ثمرهٔ تلاش و همت ارزشمند ایشان است. به نظرم بخش سوم این کتاب که دربارهٔ تقویم‌های مختلف است نباید در ضمن بحثهای تفسیری گم شود و ارزش آن را دارد تا به‌طور مستقل و از طرف اهل تاریخ مورد توجه قرار گیرد.

نتیجهٔ این تحقیق، اثبات نظریه‌ای است که عنوان کتاب را به خود اختصاص داده است. من بر آنم که «نسیء» همان کبیسه است که به نوعی خاص در سالهای قمری واقع می‌شده و علت آن‌هم تضمین امنیت تجارت و تثبیت بهترین زمان برای تجارت در شبه‌قارهٔ عربستان بوده است. البته این امر در طول سالیان، انگیزه‌های دیگری هم یافته است. ولی آنچه آن‌را به یک «قانون شامل» تبدیل کرده بود، نوع تمدن اعراب و نیاز آنها به تجارت بوده است. و از همین‌جاست که به این سؤال پاسخ گفتیم که چرا چنین امری که می‌تواند عقلایی باشد، در اسلام مورد تحریم واقع شده است، شاید بتوان گفت از دیدگاه اسلام نباید حج بهانه‌ای می‌شد برای تجارت بهتر و همین عاملی بود که زمان حج را از حصر «تبدیل زمان تجارت» خارج کند و دیگر علل و انگیزه‌های جاهلی را که به مرور برای نسیء بافته شده بود، باطل نماید. همین نکته، بحث ما را نیازمند شناخت یک قانون دیگر کرد؛ ماههای حرام مسئله بسیار مهمّی که قانون آن برخلاف قانون اول ـ نسیء ـ که توسط پیامبر(ص) رد شد، در اسلام مورد قبول واقع گردید.

به همین جهت، بخشی از این کتاب هم به بازشناسی این امر در قبل از اسلام اختصاص یافت تا هم موضوع نسیء را بهتر برشکافد و هم خود در حد توان شناخته

شود و نسبت آن با تقویم‌های عرب روشن گردد.

من خاضعانه معتقدم که این کتاب تلاشی است مفید که یکی از موضوعات تاریخ اسلام را منقّح می‌کند. موضوعی که برای هر محقّقی پیچیدگی آن روشن است و هر جوینده‌ای به‌خوبی درمی‌یابد که چه مقدار در بازشناسی و بررسی آن قصور بوده است. و دقیقاً به همین جهت است که این کتاب اگر فقط موفق شود که ذهنهای بیشتری را به این موضوعات جلب کند توفیق داشته است. و اگر بتواند صاحب‌نظران را به سوی شناخت و تحلیل بهتر این امور و نقد خود معطوف نماید، بسیار خود را موفق می‌داند.

در پایان لازم می‌دانم از برادرم جناب آقای داودی کمال امتنان را داشته باشم و امیدوار باشم که در آینده شاهد شکوفایی بیشتر ایشان باشیم.

وَ آخرُ دَعوانا أن الحَمدلله رَبّ العالَمین

قم. ۸ آذر ۱۴۰۰

سید حسن خمینی